



ما مدیون خون شهداء عزیز و خانواده آن ها هستیم و تلاش ما پاسداری از آرمان آن عزتمداران نوین کفن انقلاب اسلامی افغانستان می باشد!

ابوالحسین یاسر  
رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان



## دلجویی از شهدای حادثه اخیر بامیان



به تاریخ ۱۳۹۹/۷/۸ محترم استاد ابوالحسین یاسر رئیس حزب اسلامی متحد افغانستان و مشاور مقام عالی ریاست جمهوری در امور پشتیبانی از نیروهای امنیتی و دفاعی رئیس هیئت نمایندگان وزارت امور داخله، ریاست عمومی امنیت ملی، ارگان های محل و اداره امور که به منظور توزیع و مساعدت از طرف ریاست جمهوری برای خانواده های شهدا و مجروحین حادثه ۱۳۹۹/۷/۴ ولایت بامیان توظیف گردیده بودند رهسپار آن ولایت شدند...

اداره ص ۲



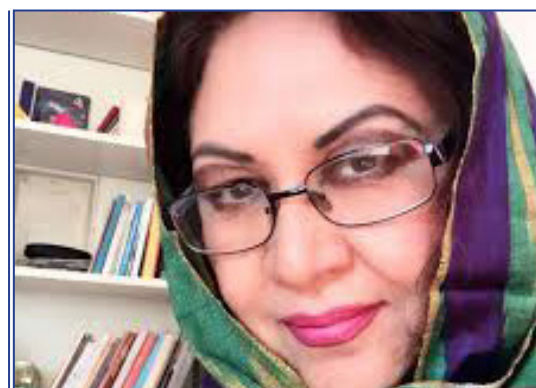
### پارلمان در آزمایش جدید

سرمقاله ص ۲



### پنج دسمبر یاد آور دو خاطره غم انگیز در افغانستان

غلام علی صرام ص ۲



### وضع ادبی و فرهنگی سرپل

دکتور شفیقه یارقین ص ۳



### زندگی نامه شهید فرمانده الحاج برات علی اصفهري

اداره حاما ص ۳

### سوم سپتامبر روز جهانی معلولین را گرامی میداریم!



سوم سپتامبر به عنوان روز جهانی معلولین در سراسر جهان تجلیل می گردد.

در افغانستان نیز از این روز با عنوان فوق نه چندان تجلیلی بلکه بعضاً از آن یاد آوری میگردد. اما اینکه در این روز برای معلولین محترم که به نحوی یکی از اعضای بدن شانرا از دست داده اند برنامه خاصی باشد وجود ندارد. در افغانستان صدها هزار معلول و معیوب داریم که قسمت اعظم آن عضوی از بدن شانرا به نحوی از دست داده و اکثراً آسیب های است که از ناحیه جنگ های تحمیلی بوجود آمده است، میباشد. تعدادی از این معلولین به وزارت محترم شهدا و معلولین

اداره ص ۴

### دیدار استاد ابوالحسین یاسر با نمایندگان جوانان ولایت لوگر



سپس محترمه داکتر شایسته عظیمی وضعیت و مشکلات زنان و دختران را از ناحیه تعلیم و تربیه تشریح نمودند و اینکه در ولایت لوگر زنان صرف در بخش قابلیت می توانند درس بخوانند و بس.

استاد یاسر بعد از شنیدن مشکلات و پرابلم های منطقه ای وعده سپردند تا موضوع را با مقامات عالی کشور در میان گذشته و به حل فوری آن اقدام نمایند.

اداره حاما

امروز ۱۳۹۹ / ۹ / ۱۳ تعدادی از جوانان و فعالان جامعه مدنی اعم از زن و مرد به دفتر مرکزی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان آمده و با استاد ابوالحسین یاسر رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان و مشاور رئیس جمهور در امور پشتیبانی از نیروهای امنیتی و دفاعی دیدار و گفتگو نمودند. درین ملاقات ابتداء وضعیت لوگر و مشکلات آن مخصوصاً جوانان لوگر توسط محترم آقای اشرفی تشریح گردید و

## سرمقاله

## پارلمان در آزمایش جدید

کبره پارلمان در انتخاب وزرای جدید و انتخاب تعدادی از روسای عمومی مثل بانک مرکزی، امنیت ملی که باید تایید پارلمان را با خود داشته باشند، بار بار امتحان داده؛ سالهای قبل چنانچه اگر کاندید وزیری توانست از جانب پارلمان رای اعتماد بدست آورد، از جانب حکومت مجدداً به عنوان سرپرست در همان وزارت خانه به کارش ادامه داده و به تدریج به پارلمان که به او رای عدم اعتماد داده بودند واهی گذاشته شد.

همین روند بی اعتمادی و رقابت منفی و ناسالم بین پارلمان و حکومت باعث شد که سالها وزارت خانه های کشور با سرپرست یا واضح تر بگوییم با وزرای غیر قانونی اداره شد. گفته شد که در این میان و در راستای انتخاب وزرای محترم معطلاتی در کار بوده و هست. و تنها کسانی می توانند به مقام وزارت نایل آید که از وکلای محترم پارلمان دعوتی کرده باشند و وعده های اجرایی پرورده های عایدانی داده باشند. ابرای ما این قابل باور بود و همیشه اینها هر دو می شدیم و وکلای محترم پارلمان را از اینگونه معاملات نا مشروع مبری میدانستیم. ولیکن در این دوره انتخاب و رای اعتماد از جانب تعدادی از وکلای تعدادی از وزرا و رؤساء مخصوصاً کاندید وزیر معارف و رئیس بانک مرکزی ما را در وادی شک و تردید برده است. ما سخنرانی جمعی از وزرا و رئیس بانک مرکزی را شنیدیم و از طرفی به هم نظاره جریان رای دهی وکلای محترم و تعداد رای های مثبت این ها بودیم. وقتی کاندید وزیر اطلاعات و فرهنگ رای اعتماد را بدست آورده توانست، کمی امیدوار شدیم، زیرا واقعا با بودن تعداد کثیری از دانشندان و استادان بزرگوار که هم از لحاظ دانش و هم از لحاظ مدیریتی در مقام بالایی قرار دارند انتخاب شخصی مثل طاهر زبیر ظلم به یک کشور استم افغانسان که در اس اداراتش افرادی نهایت کار دان و مدیران لایق و کارگشته ضرورت است، باشد.

با خود تفکیم که اینبار دقیقاً پارلمان تصمیم گرفته تا نخبه ها را رویکار بیاورند. اما با تأمل و وقتی دیدیم که جمعی به کاندید وزیر معارف و رئیس بانک مرکزی رای اعتماد دادند (بر دو باخت شان به ما هم نیست، همیکه یک رای اعتماد هم از جانب وکلای محترم به نفع اینها استفاده شده باشد در آور است)، بی نهایت مایوس شدیم و آنچه در این باره از معاملات پنهانی گفته شد به ما اینک باور کردیم. ما انتخاب افرادی که نه به فارسی و نه به پشتو بتوانند صحبت کنند در کرسی های بلندی که سر نوشت کشور به آن گره خورده است واقعاً ظلم به افغانسان و خیانت به آسمان های ملی کشور میدانیم. فکر میکنیم که در این مورد توجیهی هم اگر بصورت کبردی نهایت احتمال و دود از باور خواهد بود. زیرا انتخاب نامشایسته ها در اس ادارات سر نوشت ساز کشور خیانت بزرگ و نا بخود پی است، انتخاب وزیر از حلقه قسماقی است که باید بی نهایت وقت در آن صورت گیرد و زیر سر نوشت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... کشور ما به آن وابسته است. پارلمان در این دوره ثابت کرد که یک نهاد تقنینی نه بلکه مرکزی در جهت معاملات نامشروع است. در حالیکه یکبر خوانین افغانسان به صداقت، به یکدیگری و شایسته یاراری نیاز دارد. ما زیاران انتخاری و اسیم خود غلط بود آنچه می نداشتیم.

## دلجویی از شهدای حادثه اخیر بامیان



مربوطه قرار داده و عاملین اصلی این حادثه را به پنجه قانون سپرده و به جزای اعمال شان برسانند. در آخر محترم والی ولایت، رئیس ریاست امنیت ملی، قوماندان امنیه، رئیس شورای ولایتی و همه مردم ولایت بامیان از تشریف آوری استاد یاسر و هیئت همراه شان ابراز خرسندی نموده مشکلات این ولایت را تشریح نمودند که جناب استاد یاسر همه را استماع فرموده و وعده سپردند تا به مقام ریاست جمهوری تقدیم نموده و حل آن را نیز پیگیری نمایند.

ضمن ابراز همدردی محترم استاد یاسر پیام تسلیت جلالتمآب محترم دکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهور اسلامی افغانستان را رسانیده و برای شهدا و مجروحین حادثه فوق اتحاف دعا نمودند. به سلسله دید و بازدید ها، استاد یاسر با والی ولایت بامیان، رئیس امنیت ملی، قوماندان امنیه، رئیس شورای ولایتی و دیگر مقامات بلند پایه دیدار و گفتگو نمودند.

استاد یاسر برای خانواده های شهدا و مجروحین تاکید نمود که این قضیه را تحت پیگیری از طریق ادارات

به تاریخ ۱۳۹۹/۹/۸ محترم استاد ابوالحسین یاسر رئیس حزب اسلامی متحد افغانستان و مشاور مقام عالی ریاست جمهوری در امور پشتیبانی از نیروهای امنیتی و دفاعی رئیس هیئت، نمایندگان وزارت امور داخله، ریاست عمومی امنیت ملی، ارگان های محل و اداره امور که به منظور توزیع و مساعدت از طرف ریاست جمهوری برای خانواده های شهدا و مجروحین حادثه ۱۳۹۹/۹/۴ ولایت بامیان توظیف گردیده بودند رهسپار آن ولایت شدند.

## سوم سپتامبر روز جهانی معلولین را گرامی می داریم



کردند اما بعد از آنکه دولت به اینها قسمتی از سرک هارا مشخص کرد که از موتر ها پول بگیرند و ایستگاه ها را به ایشان سپردند که از هر موتر یک مبلغی را دریافت کنند و اینها هم چماق بدست این کار ها را با ترشروی انجام دادند و اینک کار بجایی رسیده که مردم دیگر معلولین محترم نه، بلکه با بسیار سبکی و توهین آمیز « لنگ » ها می گو بند و نسبت به ایشان به دیده حقارت نگاه می کنند، چنانچه اگر این وضع ادامه یابد روزی فرا خواهد رسید که اگر کسی به گرفتن عصا مجبور هم باشد از ترس مردم و آنهایکه در حال حاضر توهین و تحقیر می شوند، عصا بدست گرفته نتوانند، عملاً به مشاهده میرسد که نسبت به اینها مردم با نفرت نگاه میکنند. امیدواریم دولت بجای این برخورد ناسالم پروژه های آموزشی را براه انداخته از توانایی های معلولین محترم استفاده سالم به عمل آورند.

و نیست. و هیچگاه دیده نشده که دولت برای اینها مراکز آموزشی را تدارک دیده و توانایی های اینها را بکار انداخته باشند. در میان این همه معلول ما هزاران کاسب و کارگر فنی داریم و یا میشود که از جمع آنها کارگران فنی بوجود آورد. مثلاً این امکان وجود دارد که از جمع معلولین محترم که یک یا دو پای خود را از دست داده و یا یک چشم خود را از دست داده میتوانیم خیاط های ماهر تربیه نمود و با حمایت دولت اینها را بکار انداخت. و این کار در صورتیکه مورد حمایت دولت قرار گیرد بهترین زمینه کاری است زیرا افغانستان کشوری است که در تمام مغازه های لباس حتی یک جوره لباس وطنی دیده نمی شود همه از هند، چین، ترکیه و... آمده است.

تنها کاری که دولت به اینها نموده است اینست که روزی معلولین را همه دوست داشتند و احترام می

سوم سپتامبر به عنوان روز جهانی معلولین در سراسر جهان تجلیل می گردد.

در افغانستان نیز از این روز با عنوان فوق نه چندان تجلیلی بلکه بعضاً از آن یاد آوری میگردد. اما اینکه در این روز برای معلولین محترم که به نحوی یکی از اعضای بدن شانرا از دست داده اند برنامه خاصی باشد وجود ندارد. در افغانستان صدها هزار معلول و معیوب داریم که قسمت اعظم آن عضوی از بدن شانرا به نحوی از دست داده و اکثرآ آسیب های است که از ناحیه جنگ های تحمیلی بوجود آمده است، میباشد. تعدادی از این معلولین به وزارت محترم شهدا و معلولین ثبت هستند که سالانه معاشی دریافت میدارند که حتی در حد بخور غیر هم نیست.

آنچه بیش از همه درد آور است اینست که در این کشور کسی بفکر بکار انداختن توانایی های اینها نبوده

# پنج دسمبر یادآور دو خاطره غم انگیز در افغانستان

غلام علی صارم



سالهاست که وقتی پنجم ماه دسمبر می رسد خاطرات تلخ و غمباری را در اذهان همه کسانی که به کشور و تاریخ وطن شان افغانستان فکر می کنند، تداعی می نماید.

پنج دسمبر اولی :

۵ دسمبر اولی همان پنج دسمبر ۱۹۷۸ است که بوسیله دوتن از رهبران حزب وارداتی و خون آشام کمونیزم ( تره کی و امین ) قراردادی با روسها امضا شد ، که در این قرارداد بزعم خود شان تجاوز مسلحانه روسها را در افغانستان قانونیت بخشیدند . سالی از امضای این معاهده ننگین و ذلت بار گذشت که روسها با صد هزار سرباز مسلح وبا پیشرفته ترین سلاح های جنگی خود وارد کشور ما گردیدند .

قبل از ورود به افغانستان تره کی را بوسیله امین کشته و امین را هم به مجرد ورود خود به قتل رساندند ، زیرا افراد دیگری از همین قماش ( ببرک ، کشتمند و دارو دسته ایشان ) حلقه غلامی به گوش انداخته و حاضر به خدمت گذاری بیشتر از آنها گردیده بودند .

گرچه برداشت ما از تغییر مهره های مزدور روسها این است که آنها

افراد بی کفایت و مزدور بودند و مردم افغانستان آنها را افراد مزدور ، خود فروش و دین فروش می پنداشتند و نسبت به ایشان نه تنها اعتماد نداشتند که آنها را دشمن دین و وطن خود میدانستند و از همین سبب بود که هر روز در هر گوشه و کنار کشور قیام های مسلحانه شکل می گرفت و پشت سر هم شهر ها و مناطق سوق الجیشی را به تصرف خود در می آوردند . و از همین سبب بود که روسها به گمان اینکه شاید فرد بعدی بتواند کاری را انجام دهد اینها را تعویض می کردند که در نتیجه همه بی فایده بود.

بحث ما در این مقال معاهدات ننگین ۵ دسمبر است ، پیامد های این معاهده ننگین (۱۹۷۸) در کشور ما نهایت سنگین بود، کشتار های دسته جمعی ، به توپ بستن قریجات بیدفاع ، بمباران های وحشیانه

پشگان می گذرد ، اما هنوز دهها گور دسته جمعی که موقعیتش به کس معلوم نیست داریم، هنوز قبر تعداد کثیری از شهدای ما معلوم نیست ، یتیمانی که اینک جوان شده و سراغ قبر پدر را از مادر می گیرند ، مادر بیچاره جزاشک چشم جوابی ندارد. بهر حال این معاهده ننگین باعث شد که افغانستان به خاک و خون کشیده شده و سالهای سال از کار وان تمدن عقب ماند .

۵ دسمبر دوم :

۵ دسمبر دومی در سال ۲۰۰۱ است ، سال ۲۰۰۱ سالی است که دوران جهاد و مقاومت در حال اختتام است ، و معاهده که در این پنج دسمبر امضا شد ، معاهده نیست که با روسها به امضا رسیده باشد ، بلکه با جناح مقابل روس یعنی در واقع با امریکا.

این یک واقعیت است که امریکا سالها در پی انتقام گرفتن از روسها بود، انتقام شکست در ویتنام و افغانستان بایش بهترین

گزینه برای اینکار بود و همینگونه هم کرد. قابل ذکر میدانیم که معاهد ۵ دسمبر ۱۹۷۸ و ۲۰۰۱ معاهد نبود که حکمرانان کشور افغانستان آنرا به خیر و صلاح

کشور خود دیده و این ابتکار را انجام داده و قرار داد مذکور را باروسها به امضا رسانده اند، بلکه این قرار داد را روسها خود تهیه و بالای تره کی و امین که خود به قدرت رسانیده بودند امضا کردند، تا در موقعی که میخواهند آزاد انه با سپاه و حشم وارد افغانستان گردیده و از همین طریق رویا های رسیدن به آبهای گرم هند را تحقق بخشند. اما امریکا توانست روسها را در رود خروشان افغانستان غرق نماید. و آن کینه ء را که سالها

در دل داشتند همین جا انتقامش را بگیرند. ما با وجودیکه جنگ مردم افغانستان در برابر روسها را جهاد مقدس میدانیم و دقیقاً با این امر هم مخالفیم که روسها را در افغانستان امریکا شکست داده ، بلکه شکست روسها در افغانستان حاصل خون شهدای میلیونی اش و رشادت های جوانان مجاهد این کشور هست .

ولی این نکته را باید اعتراف کرد که تیکه داران جهاد افغانستان در آخرین روز های مقاومت مردم مجاهد کشور کاری کردند که در واقع اهداف امریکا را که همانا گرفتن انتقام ویتنام از روسها بود به واقعیت تبدیل نموده و تحقق بخشیدند.

معاهدهء را دقیقاً در پنجم دسمبر ، در همان روزیکه روسها آمدن مسلحانه خود را در افغانستان قانونیت بخشیده بودند، در همان تاریخ بعد از ۲۳ سال معاهده ء را بالای جناح مخالفش امضا و آمدن و حضور نظامی خود را در این کشور قانونیت بخشیدند.

معاهده ۵ دسمبر ۱۹۷۸ را تره کی و امین نوکران روسها امضا کرده بودند، اما معاهده ۵ دسمبر ۲۰۰۱ را کسانی ظاهراً به نمایندگی از مجاهدین افغانستان امضا کردند، که در واقع این هردو معاهده افغانستان را در ظاهر امر بدو گونه اما در واقع و نهایتاً در معرض تجاوز و اشغال اجانب قرار داده است .

و اما پیامد های ۵ دسمبر دوم:

۵ دسمبر دوم ظاهراً شعار های برابری و حکومت مردمی و دموکراسی را به افغانستان آورد ، اما آنچه گفته می شود صرف در گفتار و یا روی کاغذ است ، گام عملی وجود نداشته و ندارد. اگر بخاطر تعیین رئیس جمهور و وکلای پارلمان انتخاباتی صورت گرفته ، دنیا شاهد است که انتخابات در افغانستان به حدی مبتذل بوده که اصلاً دموکراسی را مسخره کردند.

درکشور های که نفوس شان چندین برابر افغانستان است انتخابات شان و شمارش آراء مردم یک روز بیشتر طول نمی کشد ، اما انتخابات در این کشور ماه ها به طول می انجامد ، چنانچه در سال جاری ما شاهد مبتذل ترین انتخابات در این کشور بودیم . اگر بنا باشد که پیامد های این پنج دسمبر را بررسی کنیم ، افغانستان در این این پنجم دسمبر توانایی را که پرداخته کم از پنجم

دسمبر ۱۹۷۸ نبوده ، اگر تعداد کشته شدگان کمتر از آن دوره باشد اما در مقابل میزان بدنامی افغانستان از جهات مختلف مثل فساداداری و مواد مخدر روی همه بدنامی ها می شوید.

در آن دوره مردم افغانستان به عنوان مجاهد احترام می شدند لباس و پکول افغانی را با غرور می پوشید ند ، اما امروز برای افغانستان و مردم آن مواد مخدر ، فساد اداری ، ترور ، انفجار ، انتحار ، زن ستیزی وهرچه بدنامی دیگر است پسوند گردیده.

انتحار و انفجار های پی هم ، قتل و کشتار مردم بیگناه ، قتل اطفال و زنان ، مداخلات پی هم و بیشرمانه کشور های خارجی همه و همه از پیامد های معاهده ۵ دسمبر ۲۰۰۱ است که در پی آن حکومت فاسد گذشته بوجود آمده بود.

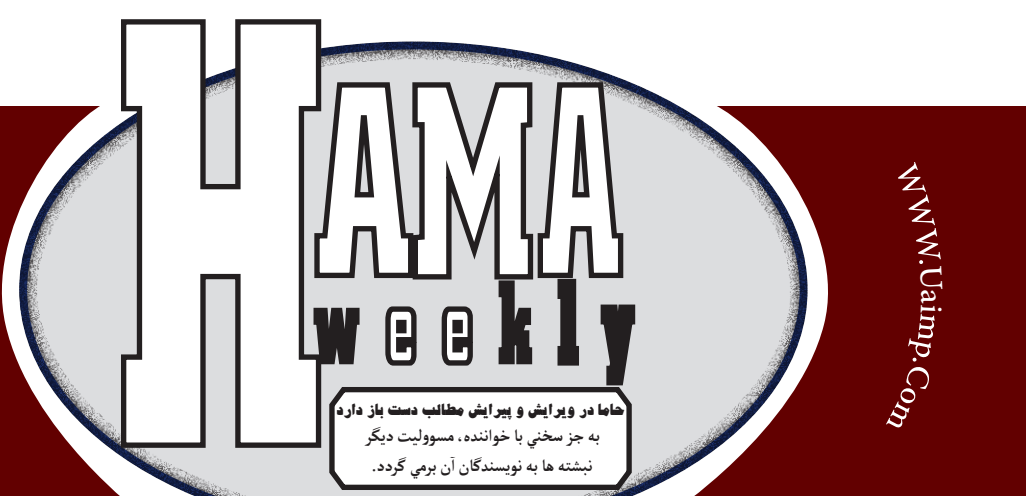
در این دوره مهاجرت مهاجرین نه تنها پایان نیافت بلکه تعدا کثیری از هموطنان ما مهاجر هم شدند، هزاران هموطن ما مانند شهدای گمنام دوران حکومت زباله های مارکسیزم در آبهای ترکیه ، یونان و استرالیا غرق و ناپدید گردیدند .

صدها میلیارد دالر که برمنای اعتبار و آبروی این کشور و مردمش آمده بود همه در جیب چند نفر محدود فرو رفت . وضع اقتصاد کشور ، وضع امنیتی کشور وضعی را دراین سیزده سال بخود گرفت که ما اینک میراث دار بی امنیتی ، بی عزتی ، فساد اداری ، بدنامی مواد مخدر ، لقب فاسد ترین کشور دنیا و.... هستیم .

ظلم ، جنایت ، انتحار ، انفجار ، تریاک ، تروریست ، زن ستیز ، دشمن حقوق بشر همه و همه پسوند نام ما گردیده است . بهر صورت این وضع باید اصلاح گردد ، کشور های خارجی در راس امریکا باید بدانند که اگر وضع به همین منوال ادامه یابد ، روزگاری را که روسها تجربه کردند و بالاخره با دنیای از حسرت و بدنامی افغانستان را ترک کردند سرنوشت ایشان نیز همان خواهد شد مگر اینکه در طرح برنامه اصلاحات و استراتیژی به منتقدان سیزده سالی که گذشت مراجعه نمایند . و باید بپذیرند که استراتیژی ایشان در این سیزده سال محکوم به شکست بوده و دوام آن حماقتی بیش نیست .



|                                                          |                                                                 |
|----------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------|
| صاحب امتیاز: حرکت اسلامی متحد افغانستان<br>(حامی)        | د سوكه پاميان                                                   |
| مدیر مسوول: غلام علی صارم                                | پامیان او دشمن هزار، مزارات کړو                                 |
| سر دبیر: محمد عیسی سروش                                  | ملنې ټپي ټپلکار، مزارات کړو                                     |
| گزارشگران: حامی                                          | کوډه پاشه وړ پیل د پنجروزه خطاب د ژوروم وړ، مزارات کړو          |
| گروه نویسندگان: عزیزالله طهماسی، انجینیرمحمدعسکر فالاح،  | شاه قولوی د ملال بانه، مینشت کړه شلره هزار، مزارات کړو          |
| فرهاد محض یار                                            | په شتوې د پسر د ایران چاپ کړل کړه شمیر کړه، مزارات کړو          |
| طراح: محمدشفیع عزیزاده                                   | عاشقانی لومړی د نظام د وځنګ لیکل شول، مزارات کړو                |
| ۰۷۸۴۸۴۵۷۲۴                                               | کېکې لیکل اسلام، سانج، مسون ملنې لیکل کړه، مزارات کړو           |
| نشانی:                                                   | په چرچې د وچ تصمیم کړتې لیکلې د ضعیفی ملک، د خوار، مزارات کړو   |
| کارته سه، کوچه مقابل ناحیه شش شاروالی، دست راست خانه سوم | په پښتن ملک، د ان هزار لیکل تر نن ملنې حال کړه اوار، مزارات کړو |
| نشانی برقی:                                              | نعم شریکیم، د ان ټیم ملنې ټول نیت د پاملار، مزارات کړو          |
| info@uaimp.com                                           | د شلین پلنلنې د ۱۳۹۹/۴/۲۵                                       |
| Web: www.uaimp.com                                       |                                                                 |



## وضع ادبی و فرهنگی سرپل

**معاون سرمحقق دكتور شفيقه (( يارقين ))**

دست را بدون چادری نمیتوان یافت. امر و ولایت سرپل شاید یگانه ولایت در سرتاسر افغانستان باشد که حتی یک روزنامه یا جریده یک کتابخانه عامه، یک مطبعه کوچک، یک فرستنده تلویزیون محلی ندارد. این ولایت شاید یگانه ولایت در سرتاسر افغانستان باشد که حتی یک تعمیر سینما، یک تالار کنفرانس، یک سالن برای برگزاری محافل خوشی و یا غم، یک بهمان خانه و یا هوتل، یک حمام، یوم با کلب ورزشی ندارد.

من این شاید ها و حتی ها را برای کم بها دادن به سرپل و سرپلجان میگویم، بلکه میخواهم از این تریبون احسن استفاده کرده، توجه زمام داران امور را به وضع ایسامان اجتماعی و فرهنگی سرپل جلب نمایم و بگویم که این ولایت با همه ندارد-هایش هنوز ادبیات شفاهی یا فیکلور دست نخورده و بکر خود را دارد، هنوز آیین ها، باور ها و مراسم خاص و بومی خویش را دارد، هنوز هنر ها و حرفه های منحصر به خود را دارد، هنوز منابع سرشار طبیعی، طبیعت زیبا و آب و هوای گوارای خود را دارد، هنوز روشنفکران دل آگاه و دستان پر قدرت و جوانان به درک و طویرست و صادق خود را دارد و هنوز ها و دارد های دیگری دارد که اگر گفته آید، حدیث مثنوی مفتاد من کاغذ خواهد شد. بنا با ابراز قدر دانی از استاد دانشمند داکتر سید مخدوم رحیم وزیر اطلاعات، فرهنگ و توریسم که با تشریف خسته شان درین سمینار با در داری ها و ندارد های ولایت سرپل از نزدیک آشنایی حاصل کردند و انشاء الله شنیده ها و دیده های شان را در جلسه کابینه یا مقاماتی که لازم است، مطرح خواهند کرد و با ابراز قدر دانی از والی با فرهنگ ولایت سرپل سید محمد اقبال منیب که پس از سالهای بسیار سکوت و ایستایی با تدویر این سمینار تحرک تازه و لازم فرهنگی را درین ولایت بوجود آوردند و امکان باز شناسی سرپل را طیف وسیعتر فراهم نمودند، سخن خویش را به پایان میرسم و به اشتراک کنندگان و میزبان و مردم سرپل و همه هم میهنانم پیروزی، سلامتی و خوشبختی آرزو میکنم.

## بیار زنده و صحبت باقی

محمد شفیع عظیمی، محمد اسماعیل مبهوت، محمد هاشم مخدوم، محمد یوسف فیاض عبدالغفور دستیار، ملا تاج محمد سرپلی، محمد اعظم عظیمی، محمد صابر عندلیب، شکرالله، محمد نور خدیم زاده و دیگران نیز با سبب فیض از محضر فارغ محمد عظیم عظیمی و مولانا غلام محمد خدیم به منظور رسیدن، از یک سو نبود هسته‌های همچون همچون گزسته غنی هم از نظر مادی و از سوی دیگر پراکنده شدن این نسل به شهر های بزرگ برای تحصیل یا شغل زمینه پدیداری حلقه یا حلقه های ادبی و فرهنگی جدید را از میان برداشت، اما از این میان محمد شفیع عظیمی، محمد اعظم عظیمی، محمد الیه نوری، بنگل باور، صدراالدین انتظار و ملا تاج محمد سرپلی یک گروه هائی را تشکیل دادند که ابتدا در شهر سرپل باعث گرمی محفل گردیدند و بعدتر پس از سال ۱۳۵۷ گروه هنری ظفر را ایجاد نموده، بهترین آهنگ های اوزبکی و ترکمنی را ثبت رادیو و تلویزیون افغانستان کردند. نکته قابل یاد اینست که جنگ های بیست و هشت ساله اخیر و آشوبهای بیشم و انتقال حکمرانی از یک قوماندان به دیگری شرایط زندگی را چنان بر قشر تحصیل کرده و روشنفکر سرپل تنگ نمود که این روشنفکران و هنرمندان به شهر های دیگر حتی کشور های دیگر مجبور به مهاجرت گردیدند. وجود این شرایط بااسامان و دریا شهر فرهنگی و پر فیض سرپل را به شهری تبدیل کرد که تا دوره حکومت موقت روشنفکران جرئت سفر به این شهر را نداشت، چه رسد به اقامت یا کار درین شهر.

امروز بهترین شاعران، پژوهشگران، هنرمندان، دانشمندان، نویسنده گان و بطور کل فرهنگیان نامدار سرپل کانون فرهنگ و هنر را در شهر های همجوار و دورتر گرم و روشن کرده اند، اما در خود سرپل جزئی معدود را نمیتوان یافت که به شعر، ادبیات، موسیقی و پژوهشهای علمی و ادبی گرایش یا مهارست داشته باشد. با تأسف در شهر های که حدود نیم قرن پیش ازین زنان رفیع حجاب کرده بودند، امروز با وجود برقراری صلح و امنیت و تجربه دو انتخابات و تشکیل ریاست اداره امور زنان در سرپل جز چند زن معدود حتی کمتر از شمار انگشتان دو

عده بی اهل ذوق به ویژه حاضر جوانان، بزله گویان و آنانیکه اشعار شاعران متقدم را از برداشتن و موافق با حال و هوای مجلس بیت ها و نکته های جالب اربه میکردند، نیز شامل بودند. این گروه نسبت به حلقه قبلی نشست های منظم تری داشتند و چون همگی تقریباً همسن و سال هم سویه و در اکثر موارد همفکر و هم نظر بودند، در خارج از مجلس نیز مراودات خویش را مستحکم داشته، با همفکری و همنوایی هم در پدید آمدن جنبش روشنگری و «جمیدی» می سهیم خود را ابفا نمودند.

اعضای این حلقه تشنه گان دانش و کنالوژی نویسن بودند، همین و مردم را علاقه‌مندی پرستیدند، از بیدالتی ها، فقر، اجتماعی و فقر فرهنگی رنج می‌بردند و علیه آن با زبان قلم و عمل مبارزه می‌کردند. ایمان امانت داری باسنادوستی، عدالت، وظیفه شناسی و صداقت را شعار خویش ساخته بودند. از میان این حلقه میرزا محمد قاسم قاضی زاده به مقام شهر داری سرپل و وکالت دوره هفتم شورای ملی از سوی مردم همین ولا انتخاب گردید که میر غلام محمد غبار در جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ از او در گروه روشنفکران متعهد و اپوزیسیون دوره هفتم شورای ملی ذکر کرده است.

در این حلقه مرحومان رسول جان، مولانا خدیم، ملا جمعه خان جمعه، میرزا مرتضی قل، میرزا محمود، محمد مراد بلبل، میرزا محمدی و دیگران شامل بودند که عده یی از آنان چون مولاناخلیم، محمد مراد بلبل، ملا جمعه خان جمعه، و میرزا محمود در دوره های بعدی به شهرداری سرپل و شورای ملی از طرف مردم انتخاب شده، کارهای درخشانی در زمان عهده داری این پست ها انجام دادند. نقش این حلقه فرهنگی در بیداری مردم و ترویج دانش و تکنالوژی خیلی پرسته است. اعضای حلقه مذکور از نخستین کسانی بودند که مظاهر تمدن جدید آن زمان یعنی رادیو، بیاسکل، گرامافون، گیس، بطری یا داینموی کوچک دستی را از هندوستان به سرپل آوردند محمد قاسم جمعه زاده «برق» و دوستانش به ویژه ملا جمعه خان جمعه و میرزا مرتضی قل برای تخریب مردم به آموزش دانش های نوین و پذیرش تکنالوژی جدید، همچنان در مذهب بیسودی، بیدالتی و مظاهر زشت جامعه به سرایش اشعار پر از طنز و انتقاد پرداختند گرچه این شعر ها در مطبوعات آنزمان مجال چاپ نمی یافت، اما در میان مردم مشهور و زبرد اهل ذوق بو. قسمت اعظم شعر های «برق» در اغتشاشات، جنگها و آواره گی ها از میان رفته است و صرف چند غزل او که در جراید کشور چاپ گردیده و هم چند پارچه دیگر که به تصادفاً از گزند روزگار امان مانده است، در خانواده اش نگهداری میگردد. مطلع و مقطع یک غزل او که به سلسله یک مشاعره در جریده دیوه چاپ گردیده است، در جا آورده میشود تا نمایانگر تفکر آنان در مورد موضوع جامعه آنروز باشد: شعر از برق است

میدانیم که رشد اجتماعی هر جامعه متناسب است با رشد فرهنگی هر جامعه متناسب است با رشد معارف یا آموزش آن جامعه. بنابراین در هر محیطی که سطح آموزش و سواد بالاتر بوده، شمار افراد با سواد و تحصیلکرده آن بیشتر باشد به همان اندازه محیط اجتماعی آن تغییر پذیرفته، آن جامعه مدنی تر و آن محیط روشن‌فکرانه تر میگردد.

اگر ما به دیروز نزدیک سرپل یعنی از ۱۳۰۰ هـ.ش بدینسو نظر بیندازیم، می بینیم که سرپل با وجود دور بودن از مرکز کشور، نداشت راههای مواصلاتی، نبود وسایل سمعی و بصری، نبود مکاتب عصری و آموزش خای نوین، باز هم شهری فرهنگی و گنجین معرفت در میان شهر ها و ولایات شمال افغانستان بوده است. درین شهر وجود مدارس دینی، دارالعلوم ها و مکاتب با آموشگاه های عضویتی و خانگی هم برای پسران و هم برای دختران آن زمینه آموزش سواد و کتب دانش و معلومات را فراهم گردانیده بود، درین آموزشگاهها قرآن کریم و علوم دینی، دواوین شعری چون حافظ و سعدی و امیر علیشیر نوایی و مشرب تدریس می گردید. پیدایش مکتب عصری « لطافت » و ادامه تحصیل در مکتب رشیده مزار شریف زمینه بهتری را برای ایجاد حلقه های ادبی و پسانها جنبش های روشنگری و مساعد گردانید و اندیشه های نوین شکل گرفته در ترکیه که از طریق آنطرف رود آمو به این طرف راه کشوده بود، نیز در پیدایی تغییر و جهان نگرى قشر تحصیل کرده سرپل تأثیر ژرف خویش را بها گذاشت که ما پیدایی حلقه های هنری را درین مقاله به بررسی میگیریم.

نخستین حلقه ادبی که در ولایت سرپل به وجود آمد، در دهه نغسی همین سده به دور یکی از شخصیت های برازنده هنرگس سرپل و ولایات شمال کشور، شاعر، عالم، پژوهشگر، حافظ قرآن کریم، شاعر دار و وکیل مردم در ده های دوم و سوم شورای ملی قاری محمد عظیم عظیمی سرپلی شکل گرفت. قاری عظیمی از لحاظ اجتماعی به قشر روحانی و با نفوذ تعلق داشت و پدر او میرزا محمد اسماعیل فرزند قازی میرزا شمس الدین نسل اند نسل شغل قضاوت و دادرسی به عهده داشته، با دیانت داری و امانت دار کاملاً در مظلومان را از ظالمان ستانده، با خدمت صادقانه و عادلانه خویش از احترام عمیق و خانمانه مردم برخوردار بودند. در نظر اقتصاددان نیز این خانواده به طبقه بالاتر از متوسط تعلق داشتند چون همیشه قناعت و توکل را پیشه کرده بودند، همواره آنچه را که داشتند، در طبق اخلاص نهاده، جلو مهمانان میگذاشتند و بدینگونه در طب مهمان خانه آنان همیشه کسوده و به دور سفره شان مهمانانی از هر صنف و قشر با سواد، عالم، شاعر، ادیب، خوشنویس، نوازنده، خواننده، نقاش و افراد چیزفهم جمع بود. از میان همین اخلاص مندان و مهمانان بود که عده ای اهل ذوق و حال به دور قاری محمد عظیم عظیمی سرپلی جمع آمد و به خود بخودی نخستین حلقه ادبی و هنری غیر رسمی تقریباً همزمان با ایجاد انجمن ادبی و کابل شکل گرفت.

گرچه این نخستین حلقه فرهنگی نشست های رسمی میعاد و منظم نداشت، اما همواره با کوشش پرجاذبه خود شاعران، هنرمندان و فضلا مشهور ولایات شمال و حتی مرکز کشور را بسوی خود می کشید و با ورود این مهمانان معزز، آن حلقه، فرهنگی با گستره بیشتری تشکیل میگردید، مشاعر ه راه اندازی میشد، طبع آزمایی ها صورت میگرفت، بساط شعر، آهنگ، مناظره ها و بحث های ادبی هموار میگردد. درین حلقه افزون برعظیمی، شاعران و هنرمندانی چون میرزایی شاعر، حاجی عبدالرشید شکور بخشی، حاجی خوئندی، عبدالجلیل گنگانی، معام پاشا و غیره حضور داشتند و مهمانانی چون ابراهیم خلیل مولانا خاں محمد خسته، سید صدیق گوهری، مولانا قربت، غلام حبیب نوایی، وافی آقچه یی، صوفی جان اغای اندخویی و دیگران بار ها با حضور گرم خویش حلقه ادبی مذکور را پر فیض تر و گرم تر می ساختند. چسب از شاعران و فرهنگیان امروز سربل و ولایات شمال افغانستان که در هنگام جوانی نو رسیده، امام صاحب ذوق بودند، درین شب های ادبی به عنوان سامع اشتراک نموده، کسب فیض کردند و بعد ها خود از شاعران، ادیبان، خوشنویسان خوانندگان و نوازندگان صاحب نام گردیدند. از عظیمی دیوان اشعار فارسی و اوزبکی شامل بیش از پنج هزار بیت، نصاب الصبائح پشتو - دری، قواعد القرآن منظوم و رساله در فن معما باقی مانده است که جز رساله معما دیگر آثار ششان حلیه جاب در بر کرده است.

حلقه دومی یک دهه بعدتر تشکیل گردید. بانی و سرحلقه آن میرزا محمد قاسم قاضی زاده بود. او که تحصیلات عمری آن زمان را در مکتب رشیدیہ مزار شریف به پایان رسانده و از نخستین فارغان به حساب می آمد، همچون پدرش قاضی میرزا محمد اسماعیل و برادر مهترش غفوی، سرپلی طبع خوشان داشت، ظریف و بزله و خوش مشرب و سخن شناس بود. در حلق ادبی او اقربون بر همنصافانش که همگی میرزایان آن زمان و بیشترشان طبع شعر داشته، به رموز و لطایف سخن آشنا بودند

فرمانده شهید الحاج برات علی اصغری در سال ۱۳۲۸ در یک خانواده نیک نام و متمدن در دهه ترکمن ولایت سروان چشمه همان کشور و

در سن ۷ سالگی برای فراگیری علم و دانش شامل کتب و مدرسه گردیده و تعلیمات و تحصیلات شان را ادامه داده و در سال ۱۳۵۶ هـ سفر حج

(خانہ خدّاء) سرداختند.

فرمانده شهید اصغری در سال ۱۳۵۸ صفحه نوبن در زندگی شان آغاز

لروده برای دفاع از ارزش های دینی و نوایس ملی روانه همه جهاد

مسلمانانہ ر علہ قوامی اشغالکر شوروی وقت کردہ و در پہلوی سار

برادران حمادی شان، همچون شهید سید ابراہیم شاہ (حسینی) برای

آزادی دره غورند از وجود اشغالگران و نوکران دست نشانده شان

اقدام نموده و بر علاوه آزادی ده غورند ماسا برادران دیگر چون

نومندان فسر علی مطلوبمار و غیره۔ حکم برادران حمادی منطقه

سالنک هنر شافیه و اشان رایاری میموند. بهمان در آزاد سازی

## مناطق ولايت ميدان

فرمانده شهید در پهلوی حماد مسلحانه برای تقویت نمه مالی جهه به خارج

ممن مسؤوليت معاونت شوراي ولايتي حزب حركت اسلامي افغان

ہنر کسب نمودند و از طرف ریاست جمهوری وقت بہ رتبہ پورن ج

آن ساحات کرده و بر اثر توطئه مخالفین و منافقین

روحش سادو ما

A dense, close-up image of many vibrant red roses, filling the frame with their intricate petal patterns. The roses are in various stages of bloom, creating a rich texture of overlapping petals. The color is a deep, saturated red, and the lighting highlights the delicate curves and folds of the flower heads.

مناطق ولايت مەدان سەم فەعال ورازندە داشتند.

فرمانده شهید در پهلوی حماد مسلحانه برای تقویت نمیه مالی حمهه خارج از کشور بنظر تلاش و زحمات زماومی راه عمده داشتند. فرمانده شهید در

ممن مسئولیت معاونت شورای ولایتی حزب حرکت اسلامی افغانستان عضویت شورای حل و عقد تسکین دولت اسلامی افغانستان را

هنر کسب نمودند و از طرف راهبست جمهوری وقت به رسته تورن خسروانی نایل گردیدند و بعداً برای کمک با محامد بن مناطق ولایت بلخ روانه

آهن ساحت کرده و بر اثر توطئه مخالفین، و منافقین، تاریخ ۲/۲/۱۳۷۸ در حرم رفته شهادت نایب شدند.

روحش شاد و مادرش کرامی ماد.